

دستور خطّ فارسی (۳)

املائی بعضی کلمات دستوری

توضیحات	مثال	نوع کلمه	نقطه
<p>کلمات مختوم به صامت منفصل + ام، ای، ...</p> <p>کلمات مختوم به صامت متصل + ام، ای، ...</p> <p>کلمات مختوم به /آ/ + ام، ای، ...</p> <p>کلمات مختوم به /او/ + ام، ای، ...</p> <p>کلمات مختوم به /ـُ/ + ام، ای، ...</p> <p>کلمات مختوم به /ـِ/ + ام، ای، ...</p> <p>کلمات مختوم به /ای/ + ام، ای، ...</p> <p>کلمات مختوم به /ای/ + ام، ای، ...</p>	<p>خشنودم، خشنودی، خشنود است، خشنودیم، خشنودید، خشنودند</p> <p>پاکم، پاکى، پاک است، پاکیم، پاکید، پاک اند</p> <p>دانایم، دانایی، داناست، داناییم، دانایید، دانایند</p> <p>دانشجویم، دانشجویی، دانشجوست، دانشجویم، دانشجوید، دانشجویند</p> <p>گوینده‌ی رادیوام، گوینده‌ی رادیوای، گوینده‌ی رادیوست، گوینده‌ی رادیوایم، گوینده‌ی رادیواید، گوینده‌ی رادیواند</p> <p>خسته‌ام، خسته‌ای، خسته است، خسته‌ایم، خسته‌اید، خسته‌اند</p> <p>اهل ری‌ام، اهل ری‌ای، اهل ری‌است، اهل ری‌ایم، اهل ری‌اید، اهل ری‌اند</p> <p>قاضی‌ام، قاضی‌ای، قاضی‌است، قاضی‌ایم، قاضی‌اید، قاضی‌اند</p>	<p>ام - ای - است ...</p> <p>(صورت‌های تصریفی فعل بودن)</p>	۱
<p>کلمات مختوم به صامت منفصل + ام، آت، ...</p>	<p>برادرم، برادرت، برادرش، برادرمان، برادرتان، برادرشان</p>	<p>آم، آت، آش (ضمایر متصل)</p>	۲

توضیحات	مثال	نوع کلمه	نوع کلمه
<p>کلمات مختوم به صامت متصل + ام، ات، ...</p> <p>کلمات مختوم به /آ+ام، ات، ...</p> <p>کلمات مختوم به /او+ام، ات، ...</p> <p>کلمات مختوم به /ـ+ام، ات، ...</p> <p>کلمات مختوم به /ای+ام، ات، ...</p> <p>کلمات مختوم به /ـ+ام، ات، ...</p>	<p>کتابم، کتابت، کتابش، کتابان، کتابتان، کتابشان</p> <p>جایم، جایت، جایش، جایمان، جایتان، جایشان</p> <p>عمویم، عمویت، عمویش، عمویمان، عمویتان، عمویشان</p> <p>خانهام، خانهات، خانهاش، خانهمان، خانهتان، خانهشان</p> <p>بیام، بیات، بیاش، بیمان، بیتان، بیشان</p> <p>کشتیام، کشتیات، کشتیاش، کشتیمان، کشتیتان، کشتیشان</p> <p>رادیوام، رادیوات، رادیواش، رادیومان، رادیوتان، رادیوشان</p>	ملکی، اضافی و مفعولی)	
حرف ندا همیشه جدا از منادا نوشته می شود.	ای خدا، ای که	ای	۳
کلمات مستقل به شکل جدا نوشته می شوند.	این جانب، همان کس	این، آن، همین، همان	۴
«به» در کلمات سه‌رديف اول، پیوسته نوشته می شود. املاي «به» در بقیه‌ی کلمات به شکل جدا آموزشی تر است.	بدین، بدان، ... بگفتم، بنویسیم، بساز و بفروش بلاعوض، بعینه به او گفتم به سر بردن	به	۵

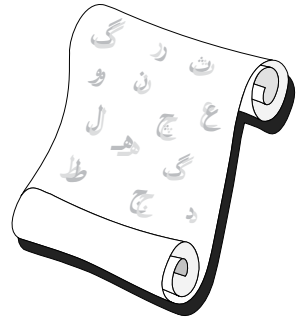
توضیحات	مثال	نوع کلمه	شماره
	به سختی کار می کند. منزل به منزل سخن او به روز است.		
معمولاً جدا نوشته می شوند.	بی گمان، بی تردید (استثنا: بیهوده، بیزار)	بی	۶
معمولاً جدا نوشته می شوند.	کوچک تر، بزرگ ترین (استثنا: بهتر، کهنتر، مهتر و بیشتر)	تر، ترین	۷
جدا نوشته می شوند. در صورتی که این کلمه «پسوند» باشد، معمولاً پیوسته نوشته می شود: باغچه، بیلچه	چه قدر، چه طور، چه سان و ... (استثنا: چرا، چگونه) آن چه، چنان چه	چه	۸
جدا نوشته می شود.	کتاب را، وی را، تو را (استثنا: چرا، مرا)	را	۹
در متون شعری کلماتی مانند: کاین، کآن، کاندر و ... پیوسته نوشته می شوند.	آن که، چون که و ...	که	۱۰
برخلاف متون قدیم امروز «می» و «همی» همه جا جدا نوشته می شوند.	می رود، همی گفت	می و همی	۱۱
در دستور خط گذشته، نشانه‌ی جمع «ها» بیشتر متصل نوشته می شد. جدانویسی این کلمات آموزشی تر است.	کتاب‌ها، قلم‌ها	ها	۱۲

توضیحات	مثال	نوع کلمه	شماره
			۱۳
«هم» با کلمات یک‌هجایی (بخشی) معمولاً پیوسته نوشته می‌شود و در بقیه جداست.	همدم، همراز، همشهر(ی)، همسر هم کلاس، هم طبقه، هم نشین و ... (استثنا: همسایه، همشیره)	هم	
به ترتیب کلمات مختوم به صامت منفصل، صامت متصل، -/، /ای، /ای، /، /آ، /او، /آ + ی	جوانمردی، دوستی، خانه‌ای، تیزی‌ای، کشتی‌ای، دانایی، دانشجویی، خلای	ی (نکره، مصدری و نسبی)	۱۴
کلمات مختوم به /آ، /او، /-، -/ و /آ + ی میانجی در کلمات مختوم به /آی و /ای / + ی میانجی، ی میانجی نوشته نمی‌شود.	دانای راز، سبوی آب، خانه‌ی من، خانه‌ی من (به دو شکل)، رادیوی من، جلوی خانه، جلو خانه (به دو شکل)، کشتی نوح (بدون «ی» اضافه)	ی، ء (میانجی بزرگ و کوچک)	۱۵

فعالیت

از متن درس‌های ۱۳ تا ۲۱ کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی (۳) املا

بنویسید.



گروه کلمات برای املاى شماره‌ی سه

مهمل و مستعمل - واقعیت عینی - تغییر معنادار - تضاد و تضمّن - مُلطفه و نامه -
بقاع زیارتی - اصالت خانوادگی - تذکار و یادآوری - ثبات رأی - صفت طنزآمیز -
مرغوبیت و نفاست - مسئولیت خارق‌العاده - طربناکی و نشاط - واژه‌های بخش‌پذیر -
مرحله‌ی تجزیه - تلخیص مقاله - تحلیل محتوا - طرفه و بدیع - مآخذ دقیق - نامأنوس و
دشوار - جیحون و سیحون - آرش ستوربان - غریب و فریاد - آذرخش تند - ستر و سترگ -
صورت ملفوظ - خلعت فاخر - صیغه‌ی دعایی - تجزیه و تحلیل - مفتاح فتوح - مرهم
جراحت - محرم‌آسرار - خوالیگران دربار - تحذیر و تهدید - شحنه و داروغه - اموال
سهل‌مأخذ - اقتضای بلاغت - نثر مسجع - ترجمه‌ی تحت‌اللفظی - واژه‌ی عاریتی -
عصابه و دستار - استشهاد محلی - بیان غیرمتعارف - ظنّ صلاح - اغراق و بزرگ‌نمایی -
آجودان مخصوص - اسلحه‌ی آتشین - نقیضه‌پردازی ادبی - مردِ صائب‌نظر -
پیرروشن‌ضمیر - شعوده و طامات - نرخ تصاعدی - پاسخ عریضه - تلمیذ بی‌ارادت -
ذهن و مشاعر - تشخّص و هویت - تبلور و تجلّی - ثمرت و بهره - مواعید و قول‌ها - مهمیز
اسب - صامت منفصل

روحیه‌ی ثروت‌اندوزی - طرح‌آسوه‌ها - حسّاسیت و دغدغه - ذوق و قریحه -
شریعه‌ی فرات - طلّیعه‌ی انقلاب - محیط طوفان‌زا - مُصحف صدربرگ - تقریر ادیبانه -
قداست و پاکی - شبستان ازل - حذر و پرهیز - فطرت و آفرینش - علل تحوّل - بقاع
متبرّکه - ابریق سفال - مغنی‌ها و اهل‌طرب - اجدادِ معیرالممالک - هیئت کریمه - محلّ

جرگه چي ها - مزارع مشخصه - كتاب ابوالمشاغل - حياط محقر - روحانيون حوزه ها - تلمذ و تحصيل - موقر و آرام - خلوص و طهارت - خان قداره كش - مسامحه و كُندی - مبارز تمام عيار - نقاط ضربه پذير - تصحيح مصباح الهدايه - عُصاره و فشرده - صحابي و تابعي - زُهَاد و نُسَاك - اسرار و رموز - مناصبِ عالی - استغنا و طمأنينه - دفع زكام - محاسن و فضایل - فِرَق متصوّفه - اصحابِ صُفّه - تأويل و توجيه - فرايض و سُنن - فضایل و نوافل - لَدَّتِ مُنَاجَات - عزّت و هيبت - پيشوايِ خلائق - خلاصه و زبده - وارث انبيا - مُحَبّ و مُشْفِق - رموز و اصطلاحات - كتابِ مرآت المحققين - نظام احسن - مذمت و بدگویی - تلقين و تکرار - مثنوی منطق الطير - حلّ و عقد - تعب و سختی - وادی استغنا - بحر بی پایان - تحير و سرگستگی - عقبه ی راه - دست خایان و انگشت گزان - طوطی خوش حنين .